

وِیژه نَگاه تکرار «آزادانس شیشه‌ای»

دوهفته‌نامه‌ی خبری-تحلیلی / سال اول / شماره‌ی یک / نیمه‌ی اول اردیبهشت ماه ۱۳۸۹

نَگاه وِیژه

تکرار «آزادانس شیشه‌ای»

حسن کمالی (اقتصاددان)

آزادانس شیشه‌ای که سال‌ها قبل در دوران کودکی ام حکایت مردم را که با خواسته‌ای محدود تها بليط رفتن به لندن می‌خواست تا همسنگش را درمان کند به تصویر می‌کشید. حال و پس از گذشته بیش از ده سال می‌توانی از هر سکاوس و دیالوگش حرف‌های نگفته و بعض‌های فرو خورده‌ای را احساس کنیم. بخصوص که روزگاری دعده‌اماره (پود) «نگذارید پیش‌سکوتان ججه به در پیچ و خم دلیا فراموش شوند». بعضاً که داشت بیش بینی آسمانی شهدید باگری را به ذهن تداعی می‌کرد این بار در آزادانس، بجهه‌ای ججه رفته هیچ کدام در «این» غرق نشند و همگی در کرخه مانندن. «حاج نوذر» از کرخه تاریخ همان کسی که سرفه‌ها کلاهه اش کرده بودند از گذشته اش پشیمان بود و به قول سعید (علی‌ده‌کمردی) کارنامه و تاج سیچی بودند را بهیایی ارزان فروخت و در صفحه پناهندگان سیاسی‌ای جای گرفت. شخصیت اصلی فیلم آزادانس شیشه‌ای (پیروز برستوی) در نقش حاج کاظم‌که روزگاری رایی فرماندهی در جنگ را بر تن داشت، سر از شهادت‌های خنگ با کسی عامله نکرد. زندگی اش را با مسافر کشی می‌گذراند و در صحنه مدیریت اجتماع قدم نگذارد.

عده‌ای نلاش کردن‌هایم و تائیر گذاری فیلم را زیر سایه شاهدت آن به فیلم شاخص سینمی لومت «بعد از ظهر سگی» پنهان کنند ولی شخصه‌های ذاتی آزادانس که بر گرفته از ادبیات و درونیات خود جانمی کیاست این فیلم را در زمرة یکی از اصیل‌ترین فیلم‌های دفاع مقدس فرار داده و از سال گذشته بیز عنوان «سیاسی‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران» را نیز دیگر می‌کشد. «آزادانس شیشه‌ای» که شاید بتوان با ضررس قاطعه آن را شاهد بیت کارهای جانمی کیا داشت از تاریخ مصرف داریست و در هر برده می‌توان از دیدنش لذت برد و تحت تأثیر قرار گرفت و در عین حال موضوعی ملهم از جنس زمان را در آن بازشناسی کرده‌ایم. فیلم با نگاههای هوشمندانه به بازخورد داغده‌های زمان جنگ در اجتماع امروز با مقاومتی نمادین می‌برد و کارگردان با تاخته‌ای لوکشن محدود آزادانس به عنوان برده‌ای از اجتماع، موضع افراد مختلف را نسبت به جنگ برسی می‌کند.

آزادانس دیروز:

فیلم در قالب بک ادم تنها در برابر جمعی از دیگران شکل می‌گیرد. حاج کاظم هر چه داده گریست، تهدید کرده، قصه گفت باز کسی نفهمیدش، همه‌ی علیه او بودند: مدیر آزادانس، کارمندان، حاجی‌بازاری، پیرمرد عارف، زن از خارج امده، حاجی فیروز، ماموران امنیتی، او قهرمان نمونه وار از دوران پس از جنگ است که هنوز پایین‌آرمان های رسوب کرده درون خود مانده، فرمانی که مناسبات جامعه پس از جنگ را برئیت تابد و وقتی همراهی بینانمی کنید به تنهایی سریه اعتراض از می‌دارد. حاج کاظم بیش از هر چیز برآمده از موقعیت خود در آن زمان، پسندگی از سوی مردم و اجتماعی که زمانی برای حفظ آن ها از همه چیز خود گذشت و شکافی که حاصل این حضور نداشتند است این شکاف بین ادم‌های زمان خنگ و دیگران به حریم داخل خانه هم تسری را فتح و با فاصله‌ای که بین کاظمه و پسرش سلمان ایجاد می‌کند از نظر سلمان جنگ تمام شده بود و باید از امور سخن می‌گمتم!

آزادانس شیشه‌ای محصول سال هایی است که شعار توسعه سیاسی و اصلاح ساختارها غالب بود، به قول بعضی حاج کاظم‌ها وظیفه خود را الجام داده بودند. حالاً نوبت به ما رسیده: اینها با غوله جنگیده اند که اذای دارد که با مذنبت و دهه ثبات در نقاد است. «کاظم» بعضی این جهون را طوری تگه می‌کند که اذکار غریبی می‌بینند شاید حق داشتند این اهمیت بودند که مدت‌ها دور از شهر با غوله می‌چنگیدند اون چنگ اندی داشت که اینها بهش خو گرفته بودندست و بینجه زدن با غول زلالشون کرده بودندی رنگ شده بودند، عینه‌هو اصحاب کهف دیگه پوششون قیمت نداشتند، اونایی که تونستن خزینت تو غار دلشون و اونایی که تونستن مجبوره معامله شنند.

قهرمان داشتند که حتی در خانه نه تنها با کلام بلکه با نگاه سرزنش می‌شوند. مگر جز به زور اسلحه می‌توانند گوش شنوابی برای شنیدن و اگویه هایش بینند کنند! اینجاست که فاطمه (همسر حاج کاظم) مفهوم امنیت و اسلام و تنها پیاهگاه را پیدا می‌کند و پیغایه ای را که می‌فرستد. حاج کاظم را به درستی رویکردی که در پیش گرفته مطمئن می‌کند اگر می‌خواهد حاج کاظم را بفهید نماید اش را به همسرش بخوانید: «یاد نمی‌آید که تا حالا برات نامه تو شنیده باش، چرا جراحت اید اومد جند تا نامه برات نوشته بولی که معمولی نبود و صحت نوشتن سلاطه تر، تو وصیت لازم نبود دلیل بیارم. راستی فاطمه دلم برای سلمان تنگ شده‌ایم پسر فکر می‌کنم که خیلی از من دوره‌مولی من خودم تو صورت می‌بینم. یک چیز را همین الان بیهت بگم، نکنه بعداً کینه به دل بگیری، نکنه سرت داغ بشه، فکر کنی رسالت زینتی داری، آنکه من جای اینها بودم همین کاری رو می‌کردم که اینا خواهند کرد من به این کارشون یک فروایزاد نمی‌گیرم ممتنی خواهیم شد اینها هم من بفهمم. خدایا تو رویه جان

فاطمه کمک کن، کمک کن زیون گره نخوره تا بتومن دلایلو بکم، الان فقط خالصه‌می‌گم، انفسیش باشد باهلهش.» اما اوچ دقت و ریز بینی حاتمی کیا را شاید بتوان در آن سکانی از فیلم دید که حاج کاظم به سینه موتوور سوارانی که قصد پیوستن به اردوگاهش را دارند دست رد می‌زنند: «حاج کاظم؛ دود اون موتورا امثال من و عیاس رو خفه می‌کنم. لطف کن تشریف بین انشتاده اونان اون موتوروا جاده می‌خواهند از این جو نمایشها خوش نمی‌آینند خیری اهل محل نی و هور و آین خیری ساکنه دود نداره سوز داره» روزهایی که شاید هنوز مصادیق مورد نظر حاتمی کیا برای ماعیان نشده باشد.

آزادانس امروز... امروز که در آستانه دهه‌ی جدید انقلاب اسلامی قرار داریم، دهه‌ای که می‌تواند آستانه و قابع مهی دیگر باشد که بار دیگر

حقایق میراث امام را به همگان اثبات کنیم ای باز جانمی کی آزادانس شیشه‌ای می‌سازد؟ آن روزها باید ثابت می‌کردیم که جنگ و بجهه هایش در حکم مدنی غنی هستند نه یک گنج، زیرا جنگ باز این تمام شدنی است اما معدن تمام نا شدنی و باز تولید شونده‌امروز خطر بزرگی که وجود دارد این است که نگذاریم ادم‌های نقلی وارد آزادانس شوند و جامه‌ی حاج کاظم را بر تن کنند.

اما براسنی آزادانس شیشه‌ای خالی از ادم‌های است که هم چنگیدند و هم بعد از جنگ را به روز کردن آرمان‌هایشان و «عصری کردن» آنها در صحنه مانند روح فداکاری و صداقت را در صحنه اجرایی کشور زنده نمک داشتند. حالاً به نظر شما ابراهیم حاتمی کیا در نسخه جدید آزادانس شیشه‌ای شکاف اصلی فیلم را بین شخصیت همچون حاج کاظم با چه کسانی باید به تصویر بکشند؟

لستک مطهري پژوهش در تئيش

در تئيش به «نظر» و «عمل» مطهري آنکه «بود...»

در زمينه مادی چه معنوی تفسير می کرد، مصاديق آن را نيز انتقالاب اسلامی ايران و انتقالاب کبیر فرانسه می دانست و انتقالاب اکتبر ۱۹۷۱ روس ها را «ارتجاع» نام می نهاد: «روح آزادخواهی و حریت در تمام دستورات اسلامی به چشم می خورد. در تاریخ اسلام با مظاہری روبه رو می شویم که گویی به قرن هفدهم و دوران انقلاب کبیر فرانسه یا به قرن بیستم دوران مکاتب آزادخواهی متعلق است.» مطهري که دورانی نيز به تدریس فلسفه هنگل می پرداخت در باب لیبرالیسم نيز این گونه گفت: «تعلیمات لیبرالیستی در متن تعالیم اسلامی وجود دارد.» باید به روش بینی و روش فکري او اینمان آورد، روش بینی که مرز می شناسد و می العمل در فضای احساسی پس از انقلاب نه تنها در برابر استفاده از لفظ «شهید» برای مبارزان مجاهدین خلق پیش از انقلاب، مماشات نمی کند بل استعمال این لفظ را برای آنان «خیانت» نيز دارد که رسد به حال آبراهام لینکن!

ج- مبارزه مطهري با التقاط: مطهري اولين شهيد
التقاط گری پس از پیروزی انقلاب بود. اين استاد مظلوم به درستی راه مبارزه با امتاج باطل چپ گرایي با اسلام اندیشي را باید کرسي های تدریس مارکسیسم ماتریالیستی می دانست و اولین فردی بود که در ابتدای دهه ۵۰ قتل مرحوم شمس آبادی را مرتبط با باند مهدی هاشمی (برادر داماد آيت... منتظری) دانست پس از انقلاب نيز با التقاط گری آشني نکرد و ممان طور که جمهوری دموکراتیک اسلامی را مردود می دانست اسلام انقلابی را طرد می کرد. چه اولی سنت غربی بود، دومی را سنت شرقی می دانست. مطهري آن گاه شهید شد که در مناظره با اشوری (شورسین گروهک فرقان) توانست او را شکست دهد و او در پاسخ به دوستاشن گفت: «مطهري در خانه اى اشرافى در قله ک زندگی می کند و معتقد است که ما اصلاً فقير نداريم!»

۵- استاد مطهري در طول تاريخ ۳۰ ساله اى انقلاب وارغان زیادي داشته است از اصلاح طلبان که پس از دوم خرداد، پیروزیشان را میثاقی دوباره با اندیشه مطهري دانسته تا اصولگرایان که مطهري را مرد پنهان انقلاب نهادند. اما آيا اولی ها بر میثاقشان پاي فشند و دومی ها پنهان را پیدا کرددند؟ امروز می توان بخشش از آراء مطهري را نقد کرد یا نپذيرفت اما نمی توان او را انکار کرد. امروز باید کتاب های مطهري در دانشگاه ها نه بازخوانی (که اصلاً خوانده نشده) بل باید خوانده شود. مطهري امروز دردهاست چه اگر اصولگرایان را آفت اخبار گری از نوع نقل غير مخصوص زده، اصلاح طلبان را اجهتاده غير اصولي فربت. دعا كيم مطهري دوباره شهيد راه مبارزه با التقاط نشود.

سخن وي هميشه با «فطرت» مخاطب بود: «اسلام را آن طور که هست به مردم معزفي کنیم، نه چيزی به آن بيفزايم و نه بکاهیم، به تعجب دیگر اسلام را بدون آرایش و پیرایش عرضه کنیم، آن گاه «فطرت حقیقت جوی» انسان به سوی آن چند خواهد شد.» همین عرضه یک پیرایه اسلام توسط استاد بود که وی پس از انتشار كتاب «مساله حجاب» با لعن و طعن مذهبیون سنتی همراه شد. آن جایكه مطهري در مجموعه مباحث خود پيرامون حجاب و

عفاف دست به اثبات احصاري چادر نزد

نادر ز الاما به درون خانه رانده شود و پرده

نشين باشد؛ بلکه صرفاً بايد هر نوع لذت

جنسی اختصاص داشته باشد به محیط خانواده و کانون اجتماع پاک و

منزه باشد... بنابراین زن می تواند هر نوع

كار از کارهای اجتماعی را عهده دارد

شود.» يا در جای دیگر از حصار عادات

و عرف های زائد اين گونه

مي گويد: «آنچه بعدها

حتی در میان

متشريعین، تحت تأثیر

عادات و عرف ها پیدا

شد، مافقه توصیه های

اخلاقی اسلامی

مسلم است. پیغمبر

اکرم و امیر

المؤمنین و سایر

ائمه اطهار

در محاورات

خود نام همسرشان را می بردند

که خديجه يا فاطمه يا ام حمیده چنین و

چنان کرد ولی امروز

اگر يك مرجم

شاهراء آزادی

خواهد شد که عدالت و آزادی را

حفظ کنیم.»

وی معتقد است اگر

شاهراء آزادی

فکر و اندیشه را بینديم «آزادی تقابل» سیطره می بابد. از

جمله مسائل مناقشه انجیز سیاسی، «خاستگاه» و «جهت

مستضعفين در انقلاب های الهی است. استاد با وجود

با کلمه «همبر» تعبیر می کند که نشان دهنده ی زیبایی و

رنگ پوست است. امروز يك ملای معروف و مورد توجه

عوام اگر همسرش سرتا پوشیده بشاد و بخواهد از جلوی

جمعی عبور کند؛ امری مستنكر تلقی می شود.» مطهري

«غرب شناسی» بود که «غرب سنتی» بود، وي با وجود

بيان تفاوت های نظام اسلامی با نظام مسیحی یا سکولار

منصفانه به نقد آرای اندیشمندان غربی می پرداخت. مطهري

اگر معنای انقلاب را بیشتر به معنای تکامل فرد و جمع چه

کشورها و فعل شدن بیش از پیش نظریه پردازان و

محققین روابطین الملل در این دوره عنوان کرد.

از آن جایي که صحنه روابطین الملل پویایی خاص

خود را دارد و نمی توان نظریه پردازی مداوم را برای آن

طراحی کرد به همین منظور سیاستگاری کشورها و داشمندان

ضرورت طراحی مدل ها و گلوهای را در پیشبرد مطالعات

و اجرای روابطین الملل و سیاست خارجی اذعان داشته

اند. بتواند حکومت را حفظ کنند. گاهی ممکن است با

۹۰ درصد، گاهی با ۸۰ درصد و گاهی با ۵۰ با ۴۰ درصد. او

مامور است که حکومت اسلامی را حفظ کند.

شهید مطهري با قبول ولايت فقهی در مقابل و کالت فقهی، آن

را «ولايت ایندیلوژیک» می داند و با اذعان به نقش پرجم

داری فقهها در طول نهضت های اسلامی، بعد نظرات

استصوابی ولی فقهی را پرزنگ می کند و از نقش پرزنگ

مردم در تعیین این جایگاه خطیر سخن به میان می آورد.

مطهري در حين اینکه روحانیت را حامی و راهرو اصلی

اسلام می داند اما بی پرو آن را نقد می کند و از مشکلات

زادگی آنان را می خواهد. همین عرضه یک پیرایه اسلام

زدگی آنان را می خواهد. مطهري نه تنها به نقد

«امروز» روحانیت دست می زند بل به معنای تلاش مستدام

در نگارش، مطلب را به چهار بخش تقسیم کرده ام. در ضمن

کلیه متابع در دفتر سازمان دانشجویان موجود است. با متن

همراه شوید، لطفا!

■ **حسین محمد دوست (حقوق ۸۶)**
Parastaar.blogfa.com

دویاره ۱۲ اردی بهشت، دویاره سالگرد شهادت مطهري،

دویاره... در این نوشته روى سخن با «فطرت بشري» است.

شخصیت مطهري از نظرگاه من، شخصیت ذو وجهی است

و این نه به معنای قیس بود بل به معنای تلاش مستدام

در نگارش، مطلب را به چهار بخش تقسیم کرده ام. در ضمن

کلیه متابع در دفتر سازمان دانشجویان موجود است. با متن

همراه شوید، لطفا!

الف- اندیشه سیاسی مطهري: این وجه از زندگی

استاد مورد بیشترین دستبرد، سانسور و تحریف واقع شده

است چه از سوی دولتداران وی چه از سوی دشمنانش.

مطهري اصل حکومت و رهبری را در اسلام بسان

«بیت القیده» می دانست. وی در باب منشا مشروعیت حکومت

«خوارج» می دانست. وی در باب منشا مشروعیت حکومت

اسلامی قائل به تفکیک مشروعیت الهی از مقولیت مردمی

نبود بلکه خواست و نظر مردم را نیز ذیل لفظ

«مشروعیت» معنی می بخشد: «اگر امام به حق راه، مردم از

مردم از روحیه چهاره گذاشت، اگر این راه را می خواهد، او به زور

نیاید و «نمی تواند» خود را از خدا تحمیل کند.»

دیدگاهی که در ایده «مردم سالاری دینی» نیز قابل رصد

است. رهبر انقلاب در این باره گفته اند: «نظر مردم تعیین

کننده است، اما در مورد آن انسانی که دارای میارهای لازم

است، اگر میارهای لازم در آن انسان نباشد انتخاب نمی

تواند به او مشروعیت بخشد... آن کسی که این میارهای را

دارد و از تقوی و سیاست نفس و دینداری کامل و آگاهی لازم

برخوردار است، آن وقت نوبت می رسد به این افراد را

همین آدم را به میارهای را می بخیلند، باز

مشروعیت ندارد. پیزی به طور تام در مقابل نظریه ای می

ایستد که آیت... مصباح آن را توزیع کرده اند. «وقتی

حکومت حق تشکیل شد، مادامی که بار بار دارد، رئیس

حکومت باید از نظام دفاع کند. پس از تشکیل حکومت

اسلامی صحبت از فرقانو، رای اکثربه و این حرف ها

برای تعیین حکومت اسلامی نیست. چون وقتی حکومت حق و

الهی تشکیل شد باید از آن دفاع کرد، کار تا هر جا بکشد

برای حفظ حکومت کیمیت ملاک نیست. ملاک این است که

تعدادی از افراد از امام(ع) یا ولایت فقهی مشروع حمایت کنند

که بتواند حکومت را حفظ کنند. گاهی ممکن است با

۹۰ درصد، گاهی با ۸۰ درصد و گاهی با ۵۰ با ۴۰ درصد. او

مامور است که حکومت اسلامی را حفظ کند.

شهید مطهري با قبول ولايت فقهی در مقابل و کالت فقهی، آن

را «ولايت ایندیلوژیک» می داند و با اذعان به نقش پرجم

داری فقهها در طول نهضت های اسلامی، بعد نظرات

■ **سید عباس حسینی (علوم سیاسی ۸۵)**

«من زیر بخش کوتاهی از مقاله علمی پژوهشی نگارنده با

عنوان ضرورت تلوین الگوی علمی پیش برند سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران می باشد.»

سیاست

دوفل ورزشی

اینتر خاص با آقای خاص فینال پیست شد



سر می بردند!

حریف، اما اینتر در ۵ بازی از ۶ بازی پیروز شده و تنها شکستش در کمپ نو بوده است. همان جایی که مونیخی ها در آنجا چندین گل از بارسلونا دریافت کردن. عملکرد ضعیف بازیان در خارج از خانه این نوید را می گردند. که آنها برای برد به آریانس آرنا و استادن، ولی فینال یک بازی است و آن هم نه در آلمان بلکه در مادرید و برباب ئو و این ون گال را می ترساند. مونیخی ها در این جام تنها یک تیم بزرگ و درجه یک را آن هم در یک بازی برده اند در حالی که اینتر نشان داده که بزرگترین، بزرگ خودش است. آنها هم چلسی را برده اند و هم به بارسلونا درس باختن آموخته اند. اینتر شاید اگر افول ناگهانی یوتونتوس در میانه فصل نبود بازیان در این مرحله حاضر نبود. یوتونتوس در زمان بازی با بازیان چند هفته نیزه بود. منچستر با حضور رونی در دو نیمه از بازی های رفت و برگشت کاملاً بازیان را برده بود. بازیان مصروفیت به موقع او باعث شد منچستر نه تنها در برابر بازیان یک بازنه باشد بلکه صدر لیگ برتر را نیز از دست بدهد. ون گال به کمک افول دورهای تیمها به فینال رسید اما تیم آقای خاص نوسان ندارد و تیم های بی نوسان را برده است و این تیم او را خاص می کند. آنها از ابتدای فصل تا امروز به جز دو هفته همواره صدرنشین ایتالیا بوده اند و این خود مدرکی است بر اینکه تیم آقای خاص ایتالیا افول ندارد.

ون گال باید کمک افول خود را آماده کند که در نبود ستاره فرانسوی خود در مقابل تیم اینتر که به لطف گل افساید کلوزه و گل دقیقه نود روبن در مقابل فورتنیا گام به این مرحله گذاشته است شانس بیشتری برای قهرمانی دارد. بازیان در این بازی ریبری ستاره فرانسوی خود را در اختیار ندارد و اصلاً دیگر بازی رفتی در آریانس آرنا ندارد که با برد در خانه و به لطف گل زده در خانه حریف صعود کند. بازیان فن خال دو عملکرد کاملاً متفاوت در خانه و بیرون خانه داشت. بازی رفت در خانه با پیروزی و بازی او را کشید تا بینیم مورینیو و یارانش جام را چگونه بالای سر می بردند!

کردن باعث پیروزی نمی شود و مورینیو این بار بارسلونا را گواردیولا، مسی، ژاوی، پیبول و همه ستارگانش مات

ازکنون مرد خاص فوتیال دنیا با تیم خاچیش که با قرعه‌ای خاص گام به مرحله فینال جام خاص گذاشته اند و انتظار لوئیس ون گال هلنی و تیمش را می کشند، تا به آنها درسی جدید را بیاموزند. اینتر و مورینیو امروز مغورتر از گذشته با سودای گرفتن ۳ جام به فینال می آیندند. اینتر صدر سری A را در اختیار دارد، اینتر در فینال حذفی ایتالیا حضور دارد و اینتر با قربانی کردن چلسی و بارسلونا شانس اول قهرمانی در اروپا است. اینتر امروز آماده ترین تیم دنیاست. آنها بهترین های جهان را در هر پستی در اختیار دارند و در نبرد پست به پست با بازیان ۹ بر ۲ پیروزند و روی نیمکت هم مورینیو با حرکات و تفکرات خود بسیار از خال پخته، پخته تر به نظر می رسد. بازیان با قرعه‌ای نه چندان مشکل در مرحله گروهی و بعد از آن در مراحل حذفی و مصروفیت رونی در بازی مقابله منچستر انگلیا با همان شانس همیشگی آلمان ها فینالیست شده است! اما فینال دیگر شانس نمی شناسد. تیم باید قوی باشد که پیروز شود و بدون شک اکنون اینتر تیم ترین تیم دنیاست.

اینتر با کارنامه تنها یک شکست در هشت بازی اخیر اروپایی اش به مرتب از بازیان که به لطف گل افساید کلوزه و گل دقیقه نود روبن در مقابل فورتنیا گام به این مرحله گذاشته است شانس بیشتری برای قهرمانی دارد. بازیان در این بازی ریبری ستاره فرانسوی خود را در اختیار ندارد و اصلاً دیگر بازی رفتی در آریانس آرنا ندارد که با برد در خانه و به لطف گل زده در خانه حریف صعود کند. بازیان فن خال دو عملکرد کاملاً متفاوت در خانه و بیرون خانه داشت. بازی رفت در خانه با پیروزی و بازی پیشگشت با شکست و صعود به کمک گل زده در خانه

■ محسن خدادادی (مهندسی مکانیک ۸۶)

زمانی که قرعه کشی دور گروهی فصل ۲۰۱۰ - ۲۰۱۱ لیگ قهرمانان اعلام شد و بر اساس آن اینتر، قهرمان ایتالیا با بارسلونا، قهرمان اسپانیا و اروپا هم گروه شد؛ این گروه را گروه مرگ نامیدند. اینتر از گروه خود با یک شکست آن هم در نیوکمپ به دور بعد راه یافت. بازیکنان اینتر که تصور می کردند بدشانسی آنها تنهای در قرعه کشی مرحله گروهی بوده است، با شنیدن نام چلسی به عنوان حریف مرحله یک هشتم خود شوکه شدند. اما این آقای خاص بود که به تجربه حضور دو سال و اندی خود در استن فورد برج ایمان داشت و موفق شد چلسی را با هدایت کارلو تو استاد مسلم لیگ قهرمانان در هر دو بازی شکست دهد. خلوپر زانتی و یارانش با حذف چلسی احسان کردند دیگر راه آسانی تا فینال در پیش دارند اما قرعه باز هم با تیم خاص فوتیال ایتالیا ناسازگار بود. آنها باید ابتدا نماینده روسیه که سویا را حذف کرده بود، از پیش رو برمی داشتند تا بعد از آن در مقابل سریان کاتالان قرار گیرند. رسیدن دوباره اینتر به بارسلونا این اندیشه را که اینتر باید کار بزرگ خود را کامل کند در جویزه مه آنسا ایجاد کرده اینتر باز هم کلیوس بارسلونا و گواردیولا باقی ماند. همگان انتظار دیدار اینتر در برابر بارسلونا را می کشیدند. با شروع بازی رفت، گواردیولا و یارانش در تارهای تاکتیک هوشمندانه خوشمزه مورینیو گرفتار شدند و فهمیلند شب سختی را پیش رو دارند. درخشش فوق العاده اینتر باعث شد، گواردیولا سخت ترین تیم در دوران مربی گری اش را تجربه کند. بازی برگشت در چهنم نیوکمپ، جایی که بارسلونا در آن خطربنا کاترین تیم دنیاست. آغاز بازی و گذشت چند دقیقه از آن مشخص می کند که پپ باید باز هم درسی جدید را از مریب سابقش بیاموزد و آن این است که همیشه، حمله

تفکر هالنی در پیشتر آلمانی موفق می شود

معمول بوده است) و بازی ضد فوتیال تیم آقای خاص نبود همچون سال های گذشته ناکام از کسب جام آسمان و رسیمان را به هم می بافت! انتقاد وارد دیدگر بر مورینیو این مساله است که وی به بازیکنان با قدرت بدین بالا بیش از کسانی که قدرت نظر بالاتری دارند بهما می دهد. (اشاره به جایگایی انتوقو با زلاتان ابراهیموویچ، ابراهیموویچ دارای ضربیت هوشی ۱۵۵ است و ساموئل انتوقو ۱۲۵م است). به انتقاد کارشناسان ضربیت هوشی بالاتر یک بازیکن به او کمک می کند تا در شرایط سخت بهترین تصمیم را بگیرد. چیزی که گویا برای مورینیو محلی از اعراض ندارد.

اما در سوی دیگر فن خال با اخلاق و تفکرات حرفة ای خود قرار دارد، تفکراتی هجومنی به اضافه صبر و حوصله فوتیال آلمانی که متوجه به ظهور غول نوین فوتیال شده است. فن خال که پیش از صعود اینتر به فینال، شانس قهرمانی بازیان را در صورت حضور اینتر در فینال بیشتر دانسته بود پس از صعود اینتر گفت: «من فکر می کنم که شانس ما از اینتر برای قهرمانی بیشتر است. من خیلی دوست داشتم که مورینیو را در فینال بینیم و به آزویم رسیدم. من می دانم که چگونه جلوی چینی بینی باید بازی کرد و قهرمان شد». بازیان که در روزهای اخیر جام قهرمانی بوندس لیگا را نیز بالای سر برده در اول خرداد بازی نیمه نهایی هم مقابل بارسلونا به اعتقاد بسیاری اگر در بازی نیمه نهایی هم مقابل بارسلونا (amarها نشان می دهد میانگین خستگی بازیکنان بارسلونا) مسافت دویده شده کاتالان ها دو و نیم کیلومتر کمتر از حد

فرگومنی را مات کند که برای هر بازی برنامه جدید و فکر و اندیشه ی تازه ای دارد. قطعاً فن خال در مقابل مربی جوان لیون کار ساده تری در پیش داشت که نتیجه بازی گواهی بر این مدعای است. اما به فینال پیربدازیم؛ جایی که آقای نه چندان خاص با تیم نه چندان خاصترش در مقابل بازیان قرار گرفته. حالا چرا نه چندان خاص! اگه نظر خیلی ها انجام حرکات خود مورینیو و تفکرات غیر فنی نه چندان سالمش باعث این شده که لقب آقای خاص را به او بدهند. حرکت بی ادبیه مورینیو بعد از اتمام بازی برگشت اینتر و بارسلونا مهر تاییدی بر تفکرات غیر فنی این مربی است. در واقع وی از لحظه فنی و تفکرات بازی خاصیت ندارد که خاص بنامندش. اگر نگاهی به کارنامه ای شش سال گذشته مورینیو بیندازیم در می باییم که این مربی با حضور در لیگ های سه کشور مختلف اروپایی پنچ بار مقام قهرمانی را از آن خود کرده اما در طول این مدت تنها یک بار آن هم پورتوی پرتغال قهرمان اروپا شده است که آن هم به عقیده خیلی ها با شانس بالایی به وقوع پیوست.

مورینیو در پلیسی نیز با آن حمه بازیکن بزرگ و مخبار جنگنگی که بر آبراهیموویچ، مالک ثروتمند چلسی تحمل کرد که حتی مرانپ زالیدی و دلسردی آبراهیموویچ را از باشگاه داری نیز فراهم کرد. در مجموع ۲ بازی، مقدارانه چهار بار سخت تری را این میان نقش «لوئیز فن خال هلنی» را ناید نادیده گرفت. کسی که با تفکر و زیرکی هلنی خود توانست



■ سید محمد رضوی (مهندسی کامپیوتر ۸۶)

زمانی که بازیکن مونیخ با شکست منچستر یونایتد به نیمه نهایی رسید همه فکر می کردند بازیان کار سخت تری را در پیش رو دارد. بازی در مقابل لیون، شگفتی ساز ادوار اخیر جام باشگاهها که این بار رئال مادرید را با نسل جدید

دوقول گاه شماره پیش بازتاب های متفاوتی داشت که از جمله آن ها این سوال بود که چرا نویسنده‌گان این بخش نظرات تقریباً یکسانی پیرامون موضوع مورد جدل داشتند. در پاسخ باید گفت "واقع اتفاقیه" بستر لازم برای بحث میان افراد مختلف با گرایش های سیاسی متفاوت را ایجاد می کند اما خود را محق نمی داند که دیدگاه خاصی را به دوستان دیگر کند بنابراین چه بسا محل جدل به مکان وحدت نظر تبدیل شود! پیرامون دوچل این شماره ذکر این نکته ضروری است که از حدود ۲ هفته پیش سفارش نگارش مطلب به یکی از دوستان فعل اصولگرای حاضر در بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی داده شد که با وجود موافقت ایشان، شاهد بدقولهای مکرر و پاسکاری مطلب بنی دوستان این عزیز بودیم که سرانجام نبز به تنجه ختم نشد.

سینمای ششیه‌ای از دیروز تا امشب!

شمرده می شود که این کارکترها به مانند قطعه های یک بازل جامعه شناختی آن بر هم را تشکیل می دهد.

شخصیت عباس که نگاه آرمانی و متعالی این قصه است و آن تاکریست داستان (قهرمان) حاج کاظم نام داد که نماینده هویت و جان فلایی و کیل مدانع عباس ها در نازارمنی و غربت اجتماع احتساب می شود. سلحشور پرتابگریست (ضد قهرمان) داستان یک کارکتر امنیتی را بازی می کند که مصالح و امنیت کشور را بر رفتار و عقاید حاج کاظم ها مقدم می دارد.

و بقیه افراد به نوعی تیپ هایی هستند که در این لوکشن کنش و واکنش هایی در برابر قهرمان و ضد قهرمان از خود نشان می دهند از جمله تیپ ها از گدای آس و پاس گرفته تا داشجو و رئیس آژانس که حاج کاظم از آنها با نام شاهد یاد می کند و تیپ دیگری که در خانواده حاج کاظم نیز وجود دارد (سلمان، پسر حاج کاظم) که پدر را مورد نقد و اعتراض قرار می دهد، به مرور در انتها فیلم نامه که می رسد و این نگاه تعدیل می شود و از صحبت های او قانع می شود.

خلالی از لطف نیست که به گروهی خاص از جامعه بپردازیم، گروه اصغر و دار و دسته اش که به همراه موتور سواره ای به فعالیت های افراطی دست می زند. کسانی که کاسه های هیجانشان داغتر از آش است یا یاوران صدیق عباس ها یا عناصری که اگر بر آنها دستور دهنند نماز ظهر را به جای چهار رکعت، چهارده رکعت بخواند یا رفیقان شفیق حاج کاظم؟

صحیح است بدانید که چندی پیش پرویز پرسویی این گروه را تعییر به افرادی همچون مسعود ده نمکی کرد که هنوز عباس ها از دود موتورهایشان احساس خفگی می کنند.

تصاویر بازالت ها در آن ایام سر جای خودش قرار گرفت که در ادامه این روند، من به قصه های بعدی هر کدام از قطعات دگردیسی بسیط و عمیقی در مورد هر یک از آنان اتفاق افتاد که تصویر قبلی را کاملاً احما می کند.

کارکتری مانند حاج کاظم، نماد انسانهای ارزشی معرفی می شود. در قصه ای «به نام پدر» مبدل به یک انسان مادی می شود که به

«آزادی شیشه ای» است. انگار برج مراقبت خم می ای به او نشان می دهد و ابراهیم همانند شاگرد پر پیاله شکسته ای از آن می نوشد. آزادی سیمای پس از چنگ را به تصویر می کشد اما به گمان او دارد از چنگی دیگر صحبت می کند. چنگ میان عقل و عشق، به چنگ میان دیدن و شیدن.

البته این حکایت به ذهن متبار می شود که چرا نام آزادی بر روی عنوان این فیلم که اکثیریت لوکیشن را نیز در بر می گیرد و چه همبستگی می تواند با سناپریو داشته باشد؟ یک تغییر است که آزادی، همشه محل برای سفر از مبدأ به مقصدی، راه خاطر آورد.



اما این بر حاتمی کیا می خواهد از یک سفر متعالی سخن به میان اورد که از همین آژانس مجوزش صادر می شود و جامعه در آن سهیم است.

حاتمی کیا که همیشه انتخاب سوژه هایش را آینه زمان خویش است و در تصدیق این فرآن نیز می گوید: «اگر زمان را از فیلم هایی بگیرند همین چیز از آن باقی نمی ماند» او از دورانی ییالوگ نویسی می کند که اجتماع کمکور به سوی یک مادیگرانی و یک شکاف طبقاتی بیش رفته است و از گذشته معنوی خودش فاصله گرفته است.

آژانس فندازیون سازی تمامی شخصیت ها در اندیشه حاتمی کیا

جواد باقری (مدیریت ۸۵) متنقد سینما

چه خوش دست تقدیر ببر ما پیشه گرفت تا بار دیگر کلام نابلد ما به سینمای حاتمی کیا گره و شاید سالی نگذشت که ابراهیم سینمای ایران برای اولین بار در مخلفی به یاد مانده در تاریخ ۸ اردیبهشت ۸۸ قدم در دانشگاه فردوسی گذاشت تا لمحه ای با دانشجویان هم صحبت شود

البته ابتدا باید این مطلب را متذکر شد که حقیقتاً کیا کسان و تفاصیل در مورد شخصیت حاتمی کیا نمی تواند در مورد یک فرد یا یک انکارکار صورت بگیرد و حتی نمی شود که نام او تنها به یک سینما گر مختص گردد بلکه حاتمی کیا یک جریان سینمایی است که رویکرد جدید و نوینی را در عرصه فرهنگ و هنر ملی به وجود آورد از ارات او در هر برهه ای از تاریخ، رشته ها و طناب هایی ناخواهد آگاه بر گردن مخاطبین می اندازد و تا جایی که به خاطر خواهی او منجر شود می کشاند. البته هیچ گاه پرده‌ی عریض و طوبیل سینما برای اوش دهان سوزی نیود که بشود بر رنگ هایش اطمینان کند و عمر خوبی را زجوانی تا بین حال وقف او کند بلکه این پرده تنها سخنگوی رازها و ناگفته های حاتمی کیا محسوب می شود تا اندر محقق آن در امان بماند

خط روای داستان فیلم های ابراهیم بسان بالگردی است که روزگاری از مکان خودش تیک آف می کند و به پرواز در می آید و روزگاری به اوج می رسد و دیگر ایام در تلاطم آن مسیر، فراز و فروید نیز دارد. برج مرآتی او احساس و حالی است که او را محافظت می کند و فرامنده او محسوب می شود.

«دیده بان» و «مهاجر» «لا لا یا ایها الساقی» اوست که در اواخر دهه شصت سروده می شود که از بطن و متن غزل هشت ساله پدیده می آید.

«از کرخه تا راین» اولین نقطه عطف زندگی هنری اش شمرده می شود که یکی از اثاث ترازیک دفاع مقدس که شعبه ای از سینمای جنگ است به شمار می آید.

اث دیگ حاتم، کما که همشه شاه شد ای، غنا تعیین می شود

آرڈننسی پاٹشالہ مائی نشکن!

روضانی) است که این شخصیت نیز نظریاً در تمامی آثار حاتمی کیا حضور دارد. اما برخلاف حاج کاظم، عباس یک شخصیت همیشه با یاد نشاند و یکسان در آثار حاتمی کیا است. عباس همواره یک قریانی است. این موضوع در آژانس شیشه ای صراحتاً بیان می شود. آن جا که همسر عباس خطاب به حاج کاظم می گوید: «شما می گذشته مردم... یک دهه هر کار خواستی کردی... هیچی نگفته...» در می گین؟ من که می دونم این وسط گوشت قربونی عباسه». در حقیقت عباس نماد مظلومیت نسل دوم است. شخصیت عباس ها در طول زمان چندان دچار تغییر نمی شود. عباس دهه های «بهه نام پدر»، دختر بی گناهی است (کلشیته فراهانی) که قریانی چنگی می شود که هیچ گاه آن را حس نکرده و هیچ سهمی در آن نداشته است. به واقع این بار دختری بی گناه نماد مظلومیت نسل نماینده های حاکمیت و مسئولیتی می شود که خود در بسیاری از موارد دچار قصور شده اند. بنابراین سلشور تمام آن چیزی است که فاقد اراده ای از این امر نباشد. کسر این اراده بعدها



رضا امیرزاده (اقتصاد)
فعال سیاسی اصلاح طلب
سال های پس از جنگ و سال های آغازین دهه ی هفتاد، آغاز دوره ای جدید در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی انقلاب اسلامی ایران به حساب می آمد. گذار از بحران بزرگ و دشوار جنگ تحمیلی و سال های سخت دهه ی ۶۰ مزینه را فراهم کرد تا انقلاب اسلامی در دهه ی دوم خود روزهای سنتی از رام و باتیات را تجربه کند. ارامش و ثباتی که پس از سال های بر کشور حاکم شده بود، فرست مقتنی چهت تمرکز دولت و حاکمیت بر سازندگی و توجه به صنعت و اقتصاد کشور دست می داد. اما آن چه در این سال ها خ داد و تحولاتی که صورت گرفت موجب غلت دولت و حاکمیت از آثار و ابعاد اجتماعی این تحولات شد. یکی از رخدادهای مهم و اژگدار این دوره، غلت دولت و مسئولین و به تبع آن لایه های مختلف جامعه از سلی بود که در دهه ی قبیل در روزهای سخت و بحرانی جنگ تحمیلی در کانون توجه و حمایت قرار داشتند. افرادی که تا چندی قبل سخن روشن را ها و دلاوری ها و حمامه هایشان نقل تمامی محافظ بود، حال کم کم به دست فراموشی سپرده می شدند. بدین توجیهی و عدم حمایت های مادی و معنوی دولت وقت نیز در بسیاری موارد موجب بی اعتمادی و گلایه مندی این قشر از جامعه ای ایران شده بود. نقشی که اغلب آن ها را نسل دومی های انقلاب اسلامی مسؤولین می دانند. فاصله گرفتن نسل سوم از نسل گذشته نیز بی شک محسوب همین غفلت و بی توجهی است. عدم حمایت مسؤولین، به فراموشی سپرده شدن تدریجی نسل جنگ و شکاف بین نسلی پس از مدتی به مهم ترین مسائل و مضلات اجتماعی ایران بدل شدند. بدین گونه ای که در اغلب آثار هنری این دوره اعم از کتاب ها، فیلم های سینمایی، سریال ها و برنامه های تلویزیونی و حتی نقاشی ها و دیگر آثار هنری، بیان این دغدغه ها از سوی جامعه ای فرهنگی و هنری کشور کاملا مشهود و محسوس است.

«آزادی شیشه ای» نیز فریاد جامعه ای ایران در این دوره است سبیت به مسائل و مضلاتی که بیش از آن دکر آن رفت. به منظور نگاهی جامع و کامل به ابعاد مختلف فیلم ماندگار و به ادامه اندی «آزادی شیشه ای» لازم است ایندا نگاهی گذاشتند. انشیم بر شمایل و سیک فیلم سازی ابراهیم حاتمی کیا.

حاتمی کیا فیلم سازی است که قریب به اتفاق اهالی سینما و حتی مخاطبان غیرحرفه ای سینما، وی را سینماگر دفاع مقدس می دانند. بی شک برای کارگردانی که کار خود را در سینما با فیلم هایی چون «هویت» (۱۳۶۴)، «دیده بان» (۱۳۶۷) و «مهاجر» (۱۳۶۹) آغاز کرده و خالق آثاری است چون «از کرخه تا راین»، «آزادی شیشه ای»، «موج مرده» و «به نام پدر» یدک کشیدن عنوان سینماگر دفاع مقدس دور از ذهن نمی تمازد. اما سیری تاریخی و دوره ای در آثار حاتمی کیا نشان می دهد که این عنوان، تمام سینمای حاتمی کیا نیست. حاتمی کیا در تمامی آثار خود که در زان دفاع مقدس ساخته شده به بیان مسائل و دغدغه های اجتماعی دوره های مختلف این دوره ای ایران پرداخته است و در تمامی دوره ها مهتمم با جامعه ای ایران پیش رفته است. در واقع

گفتار



رضا کیانیان: حضور در نمایشگاه کتاب وظیفه شرعی من است. نمایشگاه کتاب اتفاق فخرنده ای است که زمینه ساز گراش مردم به مطالعه و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه می شود.

رهبر انقلاب:



باید بسیار مراقب بود که اجرای سیاست‌های اصل ۴۳، زمینه‌ساز نفوذ قانون‌دان‌های قانون‌شکن، نشود... افرادی با دور زدن قانون، برخی کارخانه‌ها را می خنجد و بعد هم با فروش تجهیزات و زمین آن به میلیاردها آلف و الوف می‌رسند و سرانجام کارگران کارخانه را بیکار می‌شوند؛ بنابراین، همه مسئولان باید مراقب باشند.

مؤسسه فرهنگی پیام آزادگان:



«خارجی‌های ۲»، سنتخت و تنسیبی با فرهنگ مقاومت آزادگان ندارد. آیا اگر فردی از این گروه نماز نمی‌خواند، یا می‌ RCSیله، یا حتی جاسوسی می‌کرد، باید به حساب کل آزادگان گذاشته شود؟ آیا باید حماسه مهدی طهانیان اسری سیزده ساله، قبر علی بهارستانی اسیر یارده ساله و پدر پیش، علیرضا احمدی اسیر یارده ساله و پدر بزرگوارش... را فراموش کرد و سراغ ذهن ساخته‌های خود رفت؟ به یقین، آنچه در برخی صحنه‌های فیلم اخراجی‌های دو به نمایش گذاشته شد، حاشیه‌های بی‌ارزشی بود بر مبنای افتخارآمیز دوران اسارت آزادگان.

محافظ شخصی اسامه بن لادن: افتخارم این است که روزگاری محافظ شیخ اسامه بن لادن بودم اینه اکنون دیگر «ابو جندل نیستم» بلکه «ناصرالبحیری» پدر ۵ فرزند و شوهر دو زن هستم من همواره دو گلوله را آمده شلیک داشتم که به محض دستگیری بن لادن بایستی به او شلیک می‌کردم! و خدا را شکر می‌گویم که به استفاده از این دو گلوله مجبور نشدم.



عبدالصمد مرفاوی: به خاطر عدم وظیفه شناسی بازیگرانم مغلوب شدم. بازیگرانم در دیدار مقابل الجزیره به وظایف خود عمل نکردند و به همین دلیل بازی را واگذار کردیم.



آیت‌الله جوادی آملی: در کشور ما واردات علمی به دلیل غرب‌گرایی بیشتر از صادرات آن است.



حوزه مغز متفسک جهان تشیع است، اگر استقلال داشته باشیم صادرات علمی ما بیشتر از این خواهد شد.

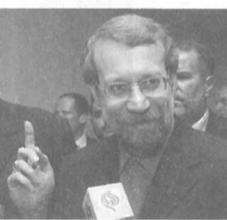
عده‌ای فکر می‌کنند هر انسان غربی فیلسوف است حال آنکه بسیاری از نظرات کانت که غربی‌ها تا این اندازه به او می‌پالند مردود است.

آیت‌الله هاشمی



رفسنجانی: مایه تاسف است که عده زیادی از نیروهای جوان، لایق و تحصیل کرده آمده کارنده ولی کار و شغلی برای آنان وجود ندارد. مردم و مسوولان باید با صبور، ملت و تدبیر صحیح یار و پاور انقلاب و نظام اسلامی باشند.

علی لاریجانی: الغای سیاست احترام گذاشتن به نظر دیگران است. کسی که وارد فضای فعالیت سیاسی می‌شود باید به این مهنه توجه کند.



مصطفی مرحوم: به رضایی: پیشرفت و عدالت دولتی به نتیجه نخواهد رسید. اگر تنها به سیاست بسته کنیم و از



اقتصاد، فرهنگ و معنویت غافل شویم، دچار عدم تعادل در زندگی جمعی و اداره کشور خواهیم شد/ به جوانان کشور توصیه می‌کنم، دست از دامن روحانیت و ولایت فقیه نکشند، زیرا این دو ضامن آزادی و استقلال هستند و همواره سدی در برابر دیکتاتوری و استعمار در ایران بوده‌اند و اگر روزی این دو ضعیف شوند، آزادی و استقلال هم ضعیف خواهد شد.

مشایی: ما می‌خواهیم در ساخت آینده دنیا و مدیریت آن مشارکت کنیم و حضوری مؤثر داشته باشیم لذا راه آن این است که عظمت و بزرگی تاریخی ملت ایران را به دنیا معرفی کنیم.



وقایع اتفاقی

دو هفته نامه خبری - تحلیلی
شماره مجوز ۸۹۱۷۷

صاحب امتیاز: سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی مشهد
مدیر مسئول: حسن کمالی
دبیر تحریریه: حسین محمد دوست
(زیر نظر شورای سردبیری)
طراح لوگو: استاد قربانی
طراح: رنجبر
پل از باطنی: ۰۹۳۷۵۷۲۹۸۹
<http://vaghay89.blogfa.com>

پایه‌نامه

دانشجویان گرامی! نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را جهت بهبود کیفیت نشریه از طریق بیانگر با شماره ۹۳۷۵۳۷۲۹۸۹ منعکس کنید.

عکس‌نامه

پیشرفت در جزیره گیش

بهده برداری از نخستین واحد تولید بیوامپلنت‌های قلبی - عروقی با حضور رئیس جمهوری در جزیره گیش. با احداث این کارخانه نمونه محصولات این کارخانه یک دهم قیمت مشابه خارجی عرضه می‌شود.



دعوای دسته جمعی!

اختلاف میان نمایندگان مجلس اولکراین بر سر لایحه تمدید پایگاه دریایی روسیه در ساحل کریمه اولکراین به ذد و خورد انجامید. مخالفان تصویب این طرح در حالی که سخنگوی جناح موافق در جایگاه مجلس حضور داشت، اعتراض خود را پرتاب نخست مرغ به سوی او آغاز کردند و لحظاتی بعد این اعتراض‌ها با پرتاب نارنجک‌های دودزا و درگیری فیزیکی میان نمایندگان، صحن علنی مجلس را به میدان نزاع تبدیل کرد.



روایتی از پدر

اول اردیبهشت ماه احسان شريعی برای دانشجویان و دوستداران دکتر در تالار فردوسی مجتمع دکتر علی شريعی جهاد دانشگاهی از علی شريعی گفت



عيادت

مصطفی تاجزاده که چندی است توافقه با مرخصی از زندان در جوار دوستان خود باشد در هفته گذشته دیسک کمر خود را عمل کرد. چند روز پیش سید محمد خانمی به عیادت وی رفت



دوجاره مرسدس بنز

کمپانی مرسدس بنز مقتنه پیش از آخرین مدل این کمپانی رونمایی کرد.



در درس‌های خاص آقای خاص!

مورینیو مربی خاص و عجیب ایترمیلان پس از خوشحالی‌های عجیب و غریب در انتهای بازی با کاتالانها با واکنش فیزیکی و یکنور والدنس دروازه باز متعصب بارسلونا مواجه شد.



سوگنامه

قلم بندست ۵.۵.۵

نشسته ام کنار دفتری که بارها

میان خط به خط آن به وصل با خیال چشم جادویت رسیده ام

کنار دفتری که چشم تو

سرود عشق می‌سرود و من به سان یک دیبر

قلم بندست

می نوشتم آنچه می‌سرود

قلم بندست نشسته ام

ولی دریغ؛ آه

دریغ؛ یک نگاه

